

# آفریقای جنوبی:

نوشته یکی از رفقای هوادار سابق سازمان بیکار

ساله، نوادگرائی آفریقای جنوبی در جهان امروز بدون تردید از مسائل مهمی است که تمام طبقات و جریانات سیاسی را در سطح جهانی وادار میکند به این یا آن شکل مواضع خود را اعلام کنند. ما نیز ناگزیریم موضعگیری روی این موضوع پراهمیت را بحثیه حلقه ای از زنجیره مواضع جهانی خود دنبال کرده و در جهت ارتقای تمایلی که ما را در تکمیل سیاست انترناسیونالیستی پرولتاری وای دارد گام برداریم. شرایط وقوع عینی حوادث و پدیده ها بدون تردید بما اجازه ندهد در در تعقیب مسائل روزانه مهم کلاماً از ترتب ذهنی و کلیشه ای حرکت کنیم که گاه به شیوه ای آکادمیک ما را در خود به محاصره درمی آورد. بر خورد ما در اینجا که از یک نگاه سطحی فراتر نیست نتیجه حساسیت و فشاری است که مسائل بین المللی در مقابلمان میگذارد و از این ادعا بسیار فاصله دارد که خود را تحلیل علمی نماید، بلکه نگاهی است گذرا به اسناد و مدارک در دسترس، با یک شتابزدگی که اوضاع تحمیل می شود. هر موضوع مهم جهانی اگر بتواند این حساسیت را در ما ایجاد کند که بتوانیم در یک مجموع وسیع به عمق آن مسائل نفوذ کرده و در جهت تحلیل و توضیح آن پیروز باشیم خواه نا خواه خواهیم توانست تمایلات سیاسی خود را به سیاست هائی ارتقا دهیم که زنجیره قابل اتکائی (با مضمون خاص خود) در برخورد به اوضاع و شرایط جهانی باشد.

راسیسم در یک کشور نسبتاً پیشرفته سرمایه داری بر کدام بنیادهای اقتصادی و سیاسی اتکا دارد و کدام عوامل به حفظ و بقای آن یاری می رسانند؟ اگر تولید مبادله کالائی بحثیه تولید مبادله ارزش های مجرد و عام منشا مساوات گرائی بورژوائی است و مبنای اولیه و لازم برای در هم ریختن مرزهای صنفی و کاستی گذشته و نوادگرایانه است، کدام عوامل اکنون پیشرفته ترین کشور های سرمایه داری جهانی را به کانون حمایت و محافظت از این ننگ آشکار و عریان تاریخ بشری و میمدار؟ و بالاخره اگر نوادگرائی بیان آشکاری از تضادهای درونی نظام سرمایه داری است، یعنی بیان تضادهائی است که از یکسوی ناپودی هرگونه مرزهای ملی و نوادی و کاستی را طلب میکند و از سوی دیگر انحصارات و کلا سرمایه داری در رقابت خود برای سودهای سرشار به مرزهای خاصی نیاز دارند. بنابراین اگر بخواهیم مبارزه ضد نوادپرستی از یک مبارزه ریاکارانه لفاظانه خارج شود، باید پاسخ گفت که کدام طبقات

مشخص قادر به مبارزه واقعی با نژادپرستی هستند و میتوانند ریشه های اساسی حفظ و بقای آنرا نابود سازند تا خود را مجدداً بازتولید نسازد؟ مسلماً هرکسی از خود میپرسد: چگونه است که کشورهای که خود را "تمدن" و طرفدار "حقوق بشر" میخوانند تا این اندازه به آفریقای جنوبی دلبستگی دارند؟ آنها خود را مخالف هرگونه تبعیض نژادی میدانند ولی خود محرک، حافظ و حامی تبعیض نژادی از آب در می آیند.

سرمایه انحصاری درست بدلیل خصائل انحصاری و انگلی بودنش امکان وسیعی برای استفاده و بهره برداری از همه اشکال کهنه و پوسیده روابط اجتماعی که در شرایط مناسب میتوانند در عرصه اقتصادی بر میزان سودهای سرمایه و در عرصه های سیاسی و نظامی بر نیروی سرکوب او بیفزایند، دارد. اما اولاً، روند مبارزه طبقاتی و ثانیاً، در مواردی رقابتی درونی آنرا ناکزیر می سازد از استفاده از بردگان برای تولید کالای مفهومی امروزی و فشرده آن و نیز حمایت از تبعیض نژادی برای دسترسی و سیعتر به منابع اقتصادی و سودهای کلان دست بردار<sup>۳</sup>. آفریقای جنوبی که یکی از صحنه های هولناک جنایات بشری است، جدیداً به نژادپرستی روی نیاورده است بلکه این جنایات نژادگرایانه حداقل بصورت قانونی و عریانش (بگذریم از رابطه ای که استعمارگران در طی چند صد سال با سیاهان داشتند) در حدود ۴۰ سال قدمت دارد. اما چه میشود که هر زمان مقاومت بر علیه این جنایات در این کشور اوج میگیرد، ناگهان کشورهای که سخنی هم از نژادپرستی در آفریقای جنوبی در موارد فروکش این مبارزه ندارند، بلافاصله بطور کم و بیش تصدیق میکنند که آفریقای جنوبی بر اساس تبعیض نژادی استوار است؟ چه میشود که فرانسه که سرمایه هایش تا کسوت از برکت همین سیستم نژادپرستی فرسه شده است، ناگهان برای مبارزه با نژادپرستی، خواهان تحریم و جلوگیری از سرمایه گذاری مجدد میشود و یا کشورهای همچون آمریکا و انگلیس و بنحوی آلمان به نژادپرستی بد و بیراه میگویند ولی هرگونه تحریمی را به زیان سیاهان قربانی نژادپرستی می دانند.

آنچه برای سرمایه امروزی اهمیت دارد این است که بر اساس ارزیابی خود از شدت مبارزه و پیش بینی روند بعدی آن مبارزه، سیاست هائی را اتخاذ کند که شرایط موجود با پاره ای اصلاحات ناچیز حفظ شود و سودآوری سرمایه ضربه ای اساسی نبیند. در حال حاضر حمایت فعال، همه جانبه و آشکار از نژادپرستی در آفریقای جنوبی سرمایه ها را بخطر می اندازد، بنابراین باید تلاش نمود در شرایطی که اوضاع در اثر مبارزه تغییراتی بیابد، این تغییرات حد اکثر با جانشین آبروفندی که همین شرایط را برای سرمایه بازسازی کند، پایان یابد. بیخود نیست که اسقف توتو بمثابة يك كشيش "صلح طلب" و "ضد نژادپرستی که از "خشونت سیاهان" شدت نگران است بدریافت جایزه صلح نوبل مفتخر میشود و از او با سرودای فراوان در رسانه های جمعی ارو پا تبلیغ بعمل می آید.

۳ حداقل بصورت قانونی و آشکار آن

صرف نظر از منافع سیاسی و نظامی مستقیمی که این کشورها در آفریقای جنوبی دارند و ما در بالا از آن سخن نگفتیم ، منافع اقتصادی مستقیمی که این کشورها در آفریقای جنوبی دارند به حدی است که ارتکاب هر جنایتی را از دیدگاه سرمایه توجیه میکند .

### وسعت ، جمعیت و ترکیب جمعیت در آفریقای جنوبی :

آفریقای جنوبی همانقدر که کانون تبعیض نژادی است یکی از کانون‌های تجاوز و استعمار در آفریقا نیز هست که قدرت و نیروی خود را نه صرفاً از درون خود بلکه از قدرت سرمایه بین المللی هم که رابطه اثر بسیار نزدیک و تنگاتنگ است ، کسب میکند . جمعیت آفریقای جنوبی بدون نامیبیا حدود ۳۱۸۲۳۰۰۰ نفر است که ۵۱۳۰۰۰۰ از اینها به بوتسوانا ، سیسکی ، تراسکی و روندا مربوط است که اینها را به اصطلاح جمهورهای مستقل می نامند . در مجموع اگر جمعیت نامیبیا را که حدود ۱/۱ میلیون نفر است به آن بیفزاییم مجموعاً جمعیتی حدود ۳۳ میلیون را تشکیل میدهند . وسعت آفریقای جنوبی بدون نامیبیا ۴۷۱۸۷۹ میل مربع است که شامل مناطق فوق الذکر نیز میشود . نامیبیا نیز وسعتی معادل ۳۱۸۸۲۷ میل مربع دارد . کل جمعیت سیاه پوستان در همه این مناطق حدود ۲۵ میلیون نفر است . در بخش اصلی آفریقای جنوبی بدون به اصطلاح جمهوری های مستقل ۲۴۸۸۵۹۶۰ نفر زندگی میکند که از مجموع اینها ۴۵۳۸۱۰۰ نفر سفید پوست ، ۲۶۱۲۷۸۰ نفر رنگین پوست ، ۸۲۱۱۳۰ نفر آسیائی و ۱۶۹۲۳۷۶۰ نفر سیاه پوستند . سیاه پوستان ۷۴ درصد جمعیت را تشکیل میدهند که جمعاً

به BANTU مشهورند . بعد از آنها سفید پوستان ۱۵٪ جمعیت و رنگین پوستان و افسراد مختلف ۹٪ جمعیت و آسیائیسها که عمدتاً هندی هستند ۲٪ جمعیت را تشکیل میدهند .

۳/ سفید پوستان "آفریکانی" هستند که اجدادشان به هلندیها ، آلمانی ها و فرانسوی ها میرسد که از قرن هفده آنجا را تحت استعمار خود قرار داده بودند ، زبانشان هم به هلندی نزدیک است و عمدتاً با کلیسای اصلاح یافته هلند ارتباط دارند و سرسختانه از تبعیض نژادی دفاع میکنند . بقیه سفید پوستان یعنی دو پنجم آنها عمدتاً انگلیسی زبان اند و بیشتر خود را به انگلستان نزدیک میدانند . میزان بیسوادی در سیاه پوستان ۹۸٪ و در میان سفید پوستان ۳۲٪ است . آفریقای جنوبی قبلاً بصورت مستعمره cape به هلند تعلق داشت اما بعد بدست انگلیسی ها افتاد و در هر دو جنگ جهانی همراه انگلستان بود .

در سال ۱۹۴۸ حزب ملی به رهبری F. Malax بقدرت رسید که طرفدار تبعیض نژادی تحت رهبری اروپائیان بود . امروزه سیاه پوستان در مناطق جداگانه ای که ۱۳ درصد خاک کشور است ، اجباراً اسکان داده شده اند ، یعنی در چنین بخش کوچکی سه چهارم جمعیت زندانی شده اند . در انتخابات حقوق عمده به سفید پوستان و تا میزان محدودی به رنگین پوستان و آسیائی ها تعلق دارد . اکثر عظیم جمعیت از هرگونه حقی در این مورد محروم است . اکنون سه مجلس وجود دارد که در آنها سفید

یوستان ۱۷۸ عضو، دوره‌ها ۸۵ عضو آسیای‌ها ۴۵ عضو دارند ولی مجموع سیاه‌پوستان که ۲۵ میلیون نفرند از حق رای نیز محرومند. جالب است که آفریقای جنوبی یکی از اعضای بنیانگذار UN است و خود را بعنوان یکی از اعضای "جهان آزاد" می‌داند که عمدتاً با کشورهای سرمایه‌داری غرب ارتباط دارد.

کشورهایی که با آفریقای جنوبی دارای ارتباط سیاسی می‌باشند عبارتند از: آرژانتین، استرالیا، اتریش، برزیل، کانادا، شیلی، تایوان، فنلاند، فرانسه، آلمان غربی، یونان، پرتوریا، اسرائیل، ایتالیا، ژاپن، مالوی، هلند، پاراگوئه، بریتال، اسپانیا، سوئیس، بریتانیا، سوئد، آمریکا و اروگوئه. روشن است که بیشتر این کشورها را کشورهای اروپا و آمریکای شمالی تشکیل می‌دهند که این خود ناشی از منافع عظیمی است که آنها در آفریقای جنوبی دارند و حصول چنین منافعی در چنین سطحی مسلماً بدون بقای نژاد پرستی ممکن نیست و یا حداقل بسیار مشکل است و در نتیجه آنها مستقیم و یا غیر مستقیم در حفظ و بقای پوسیده‌ترین مناسبات اجتماعی نقش بسیار مهمی برعهده دارند.

این منافع امروز متعلق به برده‌داران قرنهای پیش نیست بلکه بهمان طبقه "برده‌داری" است که امروز خود حق برده‌داری را در قوانین خویش نفی می‌کند. آری هر بوط به طبقه سرمایه‌دار در سطح جهانی است که به بردگی خشک و خالی کار مزدوری بسنده نمی‌کند بلکه قدرت انحصاری خود را برای افزایش سودهای مافوق در حفظ و بقای تبعیض نژادی بکار می‌گیرد.

### اهمیت اقتصادی آفریقای جنوبی :

#### ۱ - سواد خشمگین در آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی منبع مواد خام است اما نه منبع ساده‌ای از مواد خام ساده و فراوان بلکه منبعی بسیار غنی از فلزات کمیاب و برارزش. در سال ۱۹۷۹ حدس زده شده است که ۸۱٪ نخایر کرموم، ۵۱٪ طلا، ۷۸٪ منگنز، ۷۵٪ پلانینوم و ۴۹٪ وانادیوم را بخود اختصاص داده است و علاوه بر آن معادن مهم اورانیوم در آفریقای جنوبی نیز طمع سرمایه‌های انحصاری را بشدت برانگیخته است. در سال ۱۹۸۲ در آفریقای جنوبی سهم معادن در تولید ناخالص حداقل ۱۴٪ بوده است. صادرات مربوط به معادن در سال ۱۹۸۲ به ۱۱۵۷۰ میلیون راند می‌رسید که در سال ۱۹۸۱ این مبلغ ۱۲۰۰۰ میلیون راند بود (راند در آن زمان نزدیک به یک دلار بوده است). پس از اینجا اهمیت مواد خام آفریقای جنوبی برای جهان سرمایه‌داری و وضاً نقش صدور مواد خام در اقتصاد آفریقای جنوبی هم آشکار می‌گردد. همه این فلزات از مواد ضروری صنایع مدرن هستند که آمریکا تقریباً نیمی از مصرف خود را از این نوع فلزات از آفریقای جنوبی وارد می‌کند (در سال ۱۹۷۸). کیش در کسب سودهای کلان انحصاری در معادن و نقش مواد خام در موقعیت انحصارات و نیز اهمیت خاص مواد خام معادن آفریقای جنوبی موجب

در مورد جمعیت و وسعت و... این اطلاعات عمدتاً از POLITICAL HAND BOOK OF THE WORLD

سال ۱۹۸۳ - ۱۹۸۲ مؤلف آرتور س. بانکر و نیز سالنامه آمریکایی سال ۸۳ استخراج شده‌اند.

صدور سرمایه های هنگفتی از جانب کشورهای بزرگ امپریالیستی غرب شده است .

سطح دستمزدها در آفریقای جنوبی بسیار پایین است و در ضمن این سطح مزد بین سیاهان و سفید پوستان کاملاً متفاوت است بطوریکه WORLD.MARXIST.REVIEW جلد ۲۱ شماره ۱۲ در سال ۱۹۷۸ که ارگان روزیونیستیهای جهانی روسی است ، می نویسد : در سال ۷۳ - ۱۹۷۲ مجموع دستمزدها پرداخته شده به کارگران سفید در آفریقای جنوبی در صنایع موتوری نظیر فورد ( US ) ، لیلاند ( بریتانیا ) و فولکس واگن ( آلمانفریسی ) ۱۶۱ میلیون راند بوده است . در حالیکه مزد پرداختنده به کارگران سیاه در همین قسمت ۵۸ میلیون راند بوده است ، حال اینکه تعداد کارگران سفید بیش از یک چهارم کل نیروی کار را تشکیل نمیدهد ( دقت شود که این نتیجه در صورتی درست است که در صنایع موتوری هم نسبت کارگران سفید و سیاه به همین صورت باشد و یا لاطل نسبت آنها بصورت سه سفید به یک سیاه باشد ) . بطوریکه همان ضلع می نویسد ، سطح متوسط دستمزدها کارگران سفید در کارخانه بطور کلی پنج برابر کارگران سیاه پوست میباشد .

پس بیبینیم که روابط نژاد پرستانه تا چه اندازه به کاهش دستمزدها پرداخته و از اینطریق نرخ سود سرمایه را بالا می برنند .

## ۲ - مبادلات بازرگانی آفریقای جنوبی

جدول ۳ واردات نشان میدهد که در سال ۸۱ به ترتیب ایالات متحده ، آلمان ، بریتانیا ، ژاپن ، فرانسه هنگ کنگ و ایتالیا دارای بالاترین مقام در صدور کالا به آفریقای جنوبی بوده اند . همین مقام نیز در سالهای ۷۹ و ۸۰ به همین کشورها تعلق داشته است . اما جایگاهی اندکی در ترتیب آنها در جدول ۳ صادرات آفریقای جنوبی نشان میدهد که در همان سال به ترتیب ایالات متحده ، ژاپن ، بریتانیا ، سوئیس ، آلمانفریسی ، فرانسه و ایتالیا بالاترین مقام را در واردات خود از آفریقای جنوبی داشته اند و تقریباً همین کشورها با جایگاهی اندکی در ترتیب آنها مقام خود را در سالهای ۷۹ و ۸۰ نیز داشته اند . از اینجا میتوان بسادگی نتیجه گرفت که کشورهای عظیم امپریالیستی غرب همچون آمریکا ، آلمان ، ژاپن ، فرانسه و بریتانیا حتی از نقطه نظر وقفه و یا غیره بر حجم مبادلات بازرگانی خود تا چه اندازه از تفضیلهای وسیع و یا بنیادی اوضاع در آفریقای جنوبی وحشت دارند .

## ۳ - صدور سرمایه

صدور سرمایه مهمترین عاملی است که نیازمند حفظ شرایط موجود است . صدور سرمایه با خود صدور دخالت و تجاوز و گشتار و سرکوب بیرحمانه را بنحوی وسیعتر به همراه می برد . صدور سرمایه مبادلات بازرگانی را هم توسعه میدهد و در نتیجه صادرکننده سرمایه با یک تیر دو نشان می زند . اولاً ، کالای بیشتری آب میکند و سود بیشتری عاید خود می سازد ( حتی از زاویه مبادله نابرابر هم سود عاید خود میکند ) ، ثانیاً ، در شرایط اجتماعی سیاسی و اقتصادی کشورهای عقب مانده تدریجاً

ما فوق سودهای کلانی دست میابند. اگر صدور سرمایه اهمیت خاصی در حفظ شرایط موجود در آفریقای جنوبی یعنی حفظ نظام دیرستانی بشابه یکی از عوامل اساسی حفظ شرایط موجود در آنجا دارد، بنابراین لازم میشود مواضع کشورهای عظیم صدور سرمایه را نسبت به آفریقای جنوبی بدانیم و رابطه آنها را نیز با میزان سرمایه آنها نیز دریابیم.

مهمترین کشورهای آن در آفریقای جنوبی سرمایه گذاری کرده اند، عبارتند از بریتانیا، آمریکا، آلمان و فرانسه که ما به ترتیب و بطور خلاصه و مختصر مواضع سیاسی این کشورها و منافعی را در قبال آفریقای جنوبی در زیر می آوریم:

الف - بریتانیا، آمریکا و بریتانیا دو کشور عمده ای هستند که تقریباً با فرم های مردم بریده های که از جانب پارهای از رقبای دیگرشان و سازمان ملل متحد شده شدت مقاومت و رزیدها کنند و مصوباتی را دایر بر تحریم اقتصادی آفریقای جنوبی و تسوکرده اند. تجسبی ندارد که این دو کشور که بزرگترین سرمایه گذارها را در آفریقای جنوبی دارند مقاومت در مقابل تحریم آفریقای جنوبی و فشار نسبت به آنها تحت پوشش اینکه بیش از هر کس سیاهان متضرر میشوند، پنهان میکرده اند.

در بخش مبادلات بازرگانی بوضوح دیدیم که بریتانیا در حجم مبادلات خود، جز به مقام اول است ولی در بخش سرمایه گذاری و کنترل امور مالی مقام اول را دارد و این منافع عظیمی است که او را به "دلسوزی" نسبت به سیاهان واداشته است! که آنها متضرر نشوند، گویا سیاهان در آنجا اکنون چیزی و یا سودی دارند که متضرر بشوند و از همین جاست که میتوان گفت موضوع بر سر چیزی جز مقداری کاهش در سودهای کلان سرمایه های انگلیسی، آمریکایی و نه ضرر آنها مطرح نیست.

رادیو B.B.C در گزارش ۲۷ ژوئیه خود میگوید "آمریکا و بریتانیا پیشنهاد صنی بر اقدامات سختگیرانه بر علیه آفریقای جنوبی را تحریم کرده اند. برخی از پیشنهادات شورای امنیت در این مورد عبارت است از: جلوگیری از سرمایه گذاریهای جدید و ممنوعیت انجام کلیه قراردادهای مربوط به همکاریها و نیز ممنوعیت فروش سکه های طلای آفریقای جنوبی. کشورهای آنرا مخالفت با سیاستهای آفریقای جنوبی قرار دارند و گفته اند که پیشنهادات شورای امنیت به حد کافی شدید نیست. حتی بعضی کشورهای دیگر خواستار تحریم اقتصادی اجباری بر علیه آفریقای جنوبی شدند در صورتیکه از سیاستهای تکلیک نوادی دست برندارند. اما آمریکا و بریتانیا آنرا تسوکرده اند. نماینده بریتانیا گفت: "لفاظی مشکلات آفریقای جنوبی را حل نخواهد کرد. این مباحث در شورای امنیت ملل متحد از جانب فرانسه در خواست شده بود." (به نقل از بولتن خبری ۳۲ یاران فاضل - پاکستان).

این در شرایطی است که بسیاری از رقبای امریکاییست آمریکا و بریتانیا متوجه خطرات شده اند و تسلاش میکنند با فرم های مردم فریب و ارتجاعی سر و ته قضایا را بهم بیاورند و این است که شورای کلیسای

⊠ البته منظور ما توده های وسیع زحمتکش است.

آفریقای جنوبی اخطار کرد که اگر وضع حاضر ادامه یابد، ناراحتی مردم بزودی از حد خواهد گذشت و نتایج وحشتناکی بیمار خواهد آورد. این نتایج وحشتناک همه را آشفتگی کرده است تا بشیوه‌های متفاوتی دست به کار شوند و این نتایج وحشتناک چیزی جز ضرر بانی بر پیکر سرمایه داری آفریقای جنوبی و یا کاهش سودهای سرشار سرمایه در آنجا نیست. حتی اگر خطر جمهوری سوخ در میان نباشد، که مسلماً در حال حاضر نیست، باز هم سرمایه داری تا این میزان دچار کابوس شده است. جامه‌ها اروپا در بروکسل یادداشت "شدید اللحن" به بوتای فرستد و از او می‌خواهد تا در سیاستهای خود تجدید نظر کند (B.B.C. ۲۶ ژوئیه). فرانسه و استرالیا سرمایه گذاری بیشتر را تحریم میکنند و روابط خود را با مید آنکه در این میدان رقابت و شرایط بسیار حساس از رقبای خود لااقل برای آینده‌های نزدیک برنده شوند، دست‌تر می‌بازند و خواهان رفهائی میشوند. پاپ هم که مانند همین کشورها که گویا تا حالا در آفریقای جنوبی تبعیض نژادی حاکم نبوده است، ناگهان فریاد بر می‌آورد که "اوضاع غیرمنصفانه در آفریقای جنوبی را بسیار رقت بار یافته است" و تفکیک نژادی را بعنوان امری غیر قابل قبول تفتیح می‌نماید. (رادیو B.B.C. ۱۳ اوت).

گذردین ۲۶ جولای ۸۵ میلیون پوند به آفریقای جنوبی دوازدهمین کشور شریک تجاری انگلیس است. سال ۸۴ بریتانیا ۱/۲ میلیارد پوند صادرات به آفریقای جنوبی داشته است که ۲٪ صادرات انگلیس را جذب میکند و انگلیس هم برای آفریقای جنوبی حیاتی است چون خریدار کالاهای آن بویژه مواد خام است. انگلیس تقریباً (بطور سرانه) هر سال ۲۴ رانند کالای آفریقای جنوبی که تقریباً ۱۰ پوند میشود (بعد از آن آلمان رسی و ژاپن قرار دارند) بصرف می‌رساند.

در سال ۸۵ صادرات بریتانیا در پنج ماه اول سال به بیش از ۴۶۶ میلیون پوند رسیده است که برای اقتصاد آفریقای جنوبی و انگلیس هر دو اهمیت دارد.

انگلیس علاوه بر این در بیمه، گشتی رانی، بانکداری و دیگر خدمات مالی که در مقوله تجارت غیرمسی می‌گنجد نیز ضافع سرشاری دارد. حجم خدمات صادر شده بریتانیا به آفریقای جنوبی به ۱/۷۸ میلیارد پوند می‌رسد که دو برابر کالاهای مریسی است که در همان زمان صادر میشود. در سال گذشته اعلام شد که بریتانیا خدماتی به ارزش ۱/۳ میلیارد صادر کرده است. بریتانیا در سال ۸۴ ۳۵۰ میلیون پوند از مواد خام را مجدداً<sup>۳۷</sup> به آفریقای جنوبی صادر نموده است. بازرگانی فقط یک حوزه کوچک منفعت بریتانیا در آفریقای جنوبی است که بیش از هر چیز شرکت‌های سهامی و کک‌های مالی اقتصادی آفریقای جنوبی را تقویت کرده است.

حدود ۴۲٪ کل سرمایه گذاریها در آفریقای جنوبی متعلق به بریتانیا است، ۷٪ سرمایه گذارهای خارجی بریتانیا در آفریقای جنوبی است. در حقیقت از ۲۰۰۰ شرکت خارجی در آفریقای جنوبی

<sup>۳۷</sup> نرخ فعلی رانند که بسیار متزلزل نموده است.



۵۰٪ از بریتانیا کنترل میشوند. در میان بزرگترین این شرکتها GEO. SUBSIDIARY. PLESSOY مارکونی و گروه کامپیوتر ICL قرار دارند که همه از تولیدکنندگان تکنولوژی پیشرفته، دفاعی و ارتباطی هستند. مهمترین شراکت بریتانیا در آفریقای جنوبی در بخش بانکداری است. در آنجا دو بانک بریتانیایی استاندارد چار STANDARDS CHARTERED و بارلسی دوسوم همه، دادوستدهای محلی بانکهای آفریقای را در انحصار خود دارند. فعالیت آنها در زمینه حضور در ناهیبیای اشتغالی و نیز بانکداری نیروی مسلح آفریقای جنوبی کاملا مشهود است.

حجم وامها و داراییهای منقول (PORTABLE) در گردش، بیش از ۶ میلیارد پوند است که مساوی با حجم سرمایه گذارهای غیر مستقیم آمریکا است. بعضی از شرکتهای انگلیسی در سه سال اخیر تلاش کردهاند سرمایه های خود را کاهش داده یا خارج سازند و بهین خاطر در طی این سه سال اندکی از سرمایه گذارهای مستقیم آفریقای جنوبی کاسته شده است.

ب - ایالات متحده، دولت ریگان صریحا مخالف تحریم آفریقای جنوبی است و حتی به اتفاق بریتانیا اقدامات رفرمیستی و بسیار نازل شورای امنیت را نیز متوقف کرده است. یک سخنگوی کاخ سفید گفته است که نظرات دولت غیر قابل تغییر است (۱۸ خرداد ۶۴). بطوریکه رهبر جمهور یخوآهان در مجلس نامه هائسی از جورج شولتز و وزیر خارجه و دیگر اعضای دولت ریگان قرائت کرده است که در آنها قید شده است که مجازاتهای اقتصادی به منافع تجاری آمریکا و منافع سیاهان آفریقای جنوبی که دولت وی قصد کمک به آنها (یعنی کمک به سیاهان) را دارد لطمه وارد میسازد (۱۸ خرداد ۶۴)، اما این روش حمایت بسیار غریبان مورد پسند جناح ها و حتی گرایش های درون هم جناح امپریالیستی در خود آمریکا هم نیست و بعضی از آنها اندکی این مواضع را تعدیل میکنند. لوگر رئیس جدید کمیسیون خارجی سنای آمریکا مطرح کرد که "عدم شرکت سیاهان در آفریقای جنوبی به جنگ داخلی کشیده و آفریقای جنوبی را به ویرانه تبدیل میکند" او گفت "وقت آن رسیده است که صادقانه به دوستان آفریقای جنوبی مان بگوئیم که ارزیابی ما از اوضاع کنونی این است که جامعه سفید پوست ناچار به مقابله با یک جنگ داخلی خواهد شد که نه تنها برای دوستان ما بلکه برای خود ما و جهان غرب شوم و بد فرجام خواهد بود". پس بی بینیم که چگونه حشمت از "ویرانی" سودهای سرشار که "جنگ داخلی" در جریان آنرا بوجود می آورد، سناتور محترم را با تأسف زیاد به تعدیل نظراتش کشانده است. این سناتور جمهور یخواه گفت: "آفریقای جنوبی باید بداند که آمریکا در باره لزوم سهم کردن سیاهان در حکومت بسیار استوار است و حتی ممکن است به مجازاتهای اقتصادی علیه آفریقای جنوبی دست بزند" و "اما مجازاتهای اقتصادی به سیاهان آفریقای جنوبی نیز لطمه خواهد زد و از این نظر کمی دچار

---

۳ بنا به یک مقاله از جنگ کراچی ۱۱ سپتامبر ۸۵ که از آکونویست نقل کرده است از ۱۶ میلیارد دلار سرمایه گذاری منظم خارجی ۸ میلیارد به شرکت های انگلیسی تعلق دارد که سرمایه مستقیم و غیر مستقیم بریتانیا در آن به ۱۴ میلیارد دلار می رسد.

شك و تردید هستیم ولی در هر حال کلیهٔ پیشنهادهای مربوط به مجازات آفریقای جنوبی را به دست بررسی خواهیم کرد" (اطلاعات ۹ بهمن ۶۳). آمریکا در لزوم سهم کردن تا این اندازه استوار است که بخاطر منافع سیاهان از تحریم و مجازات دچار شك و تردید است!

آمریکا مقام اول را در حجم مبادلات بازرگانی آفریقای جنوبی دارد و در سرمایه‌گذار بهایش نیز بعد از بریتانیا در مقام دوم است. آمریکا دارای ۲۰٪ مجموع سرمایه‌گذار بهای خارجی در آفریقای جنوبی است (به نقل از گاردین ۷ جولای). آمریکا در تجارت خود ۵۷٪ مصرف و انادیموم، ۴۸٪ پلاتینیوم و ۲۰٪ کرومیوم خود را از آفریقای جنوبی وارد میکند و غیرمغ تحریم UN مجله World Marxist Review نوشت که آمریکا سالیانه ۶۰۰۰ تن کرومیوم از آفریقای جنوبی وارد میکند و ۱۵٪ سنگ اورانیوم برای مصارف نظامی به غرب تحویل مینماید. سرمایه‌آمیکائی عمدتاً از معادن طلا، اورانیوم، و انادیموم، کرومیوم، نیکل، مس، الماس و آنتیمونی بکار گرفته شده است (همانجا). همین مجله نرخ سود را در آفریقای جنوبی ۳۴٪ میدانند که ۵۰٪ بیشتر از سایر جاهاست و در همین مجله آمده است. هرالده تریبون در اکتبر ۷۷، آفریقای جنوبی را "صدائی از وال استریت" میدانست. نشریهٔ رویزیونیستهای مدرن روسی که عمدتاً از این زاویه "حمایت از مبارزه" ضد نژادپرستی مطرح میکند، مینویسد: "واشنگتن اکنون در آخرین ربع قرن نمیتواند ببیند که هرگونه حمایت نسبت به آپارتاید آفریقای جنوبی - حتی بطور ضمنی - ممکن است کاملاً نفوذ آمریکا را از بین ببرد، دچار خسارت نماید و قراردادهای آمریکا و دولت‌های آفریقای جنوبی را در نوردد" و ادامه میدهد که یکی از سخنگویان جنرال مور مطرح کرده است که "ما برای مدت بیش از پنجاه سال در آفریقای جنوبی بوده‌ایم و قصد داریم در آنجا برای مدت طولانی بمانیم". واقعاً حرف رویزیونیستها هم بر سر این است که باید کنار آمد تا ضربه‌های بر منافع وارد نشود و نه چیز دیگر تا تعادل جهانی نیروهای رقیب بهم بخورد.

ج - سایر کشورها، بعد از آمریکا و بریتانیا، آلمان در سرمایه‌گذاری مقام سوم را دارد و هم اکنون در سیاست خود از آنها پیروی میکند بطوریکه بنا بگفتهٔ رادیو B.B.C. در اوت ۸۵ صدراعظم آلمانفرسی گفته است که کشورش در مورد تحریم آفریقای جنوبی به فرانسه تأسی نخواهد کرد. وی گفت چنین تحریمی بی‌فایده‌گی خود را نشان داده است و آلمانفرسی در نظر دارد که نفوذ خود را در راه تحقق نوسازی آفریقای جنوبی بکار ببندد. آلمانفرسی حدود یک میلیارد پوند سرمایه‌گذاری در آفریقای جنوبی دارد و از نقطه نظر مبادلات بازرگانی جز پنج کشور اول است (گاردین ۲۶ جولای). فرانسه که گویا زودتر از دیگران متوجه خطرات کنونی شده است و در تلاش نجات سرمایه‌ها و تحکیم موقعیت بعدی خود در مقابل رقبای بزرگی همچون بریتانیا و آمریکا است، مسألهٔ تحریم و جلوگیری از سرمایه‌گذاری بیشتر را مطرح نموده است. فرانسه در آفریقای جنوبی ۱/۳ میلیارد پوند سرمایه‌گذاری

داشته است که در سال ۸۴ به ۸۰۰ میلیون کاهش یافته است و در صادرات خود هم پنجمین مقام را دارد که مجموع آنها به ۳۸۰ میلیون یونسد میرسد . واردات آن از آفریقای جنوبی که شامل ذغال سنگ ، اورانیوم و طلاست به ارزش ۵۰۰ میلیون یونسد بوده است ( گاردین ۲۸ جولای ) . در ۲۶ جولای کاردین مینویسد که اکنون سرمایه گذاری فرانسه و سوئیس هر کدام به ۶۰۰ میلیون یونسد رسیده است که یک دهم سرمایه گذاری بریتانیا در آفریقای جنوبی است .

حال که مهر دلار و استولینگ بر تک سیاستها روشن میشود ، مفهوم و ماهیت دموکراسی بورژوازی که امروز بسیاری از روشنفکران ما را که زمانی ادعای " مارکسیسم " داشته اند ، سخت فریفته است و ریاکاری و جنایات آن که خود را بنام دفاع لفظی از " حقوق بشر " میپوشاند ، روشن میشود . اندکی تعمق لازم است تا آنها که لاف خود را به بورژوازی نفروخته اند ، معنا و مفهوم این جمله " مارکس را دریابند : " ملتی که بر دیگران ستم روا میدارد ( و ما اضافه میکنیم ستم را بر دیگران تائید میکند ) نمیتواند آزاد باشد " . اگر چه سائله " عمده های همچون موقعیت سیاسی - طبقاتی جنبش کارگری در آفریقای جنوبی برای انتخاب سیاست صحیح امر لازمی است ولی بر خورد به این موضوع مهم و دیگر موضوعات اساسی در این رابطه و در محدوده " فعلی از ما ساخته نیست . باشد تا رفقای دیگر بتوانند آنها دنبال کنند .

برای ما مسلماً " اهمیت خواهد داشت تا بدانیم در این جنگ بسیار خونین در آفریقای جنوبی طبقه کارگر در آفریقای جنوبی نقش خود را چگونه ایفا میکند و برای ایفای تاریخی نقش خود تا چه اندازه آمادگی دارد تا قربانی فریبکاریهای جریانات رویزیونیستی و رفرمیستی نشود و جنگ را به یک جنگ صرفاً " ضد نژاد پرستی محدود نسازد .

جدولهای نشاندهنده شوکای تجاری آفریقای جنوبی

جدول ( ۱ ) واردات آفریقای جنوبی به میلیون راند

نام کشورها	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱
استرالیا	۶۵/۲	۹۹	۱۴۸/۸
بلژیک	۱۳۱/۴	۱۷۱/۲	۲۴۷/۱
کانادا	۹۵/۴	۱۳۸/۶	۲۱۶/۴
فرانسه	۷۴۰/۶	۵۴۱/۶	۸۷۷/۴
آلمان غربی	۱۳۰۸/۴	۱۸۵۳/۴	۱۳۶۵/۸
هنگ کنگ	۵۹	۱۰۰/۶	۷۷۱/۱
ایتالیا	۲۵۰/۷	۴۳۸/۴	۶۳۳/۱
ژاپن	۸۰۰/۳	۱۲۸۷/۵	۱۹۶۱/۸
هلند	۱۵۷/۷	۱۹۶/۶	۲۵۴/۴
سوئد	۱۰۱/۷	۱۴۴/۵	۱۷۹
سوئیس	۱۸۱/۶	۲۳۷/۱	۳۱۴/۵
بریتانیا	۱۳۵۲/۸	۱۷۳۸/۴	۲۱۶۱/۲
ایالات متحده	۱۲۳۹/۱	۱۹۴۹/۲	۲۶۵۵/۳
کل واردات از کشورهای آفریقای	۲۵۴/۸	۲۸۷/۹	۳۱۸/۴

جدول ( ۲ ) صادرات آفریقای جنوبی به میلیون راند

نام کشورها	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱
استرالیا	۷۳/۴	۸۶/-	۹۱/۹
بلژیک	۳۰۷/۱	۲۹۸/۹	۳۰۹/۷
برزیل	۱۱۱/۸	۱۲۹/۵	۶۱/۱
کانادا	۱۵۰/۱	۲۰۵/۳	۲۰۴/۸
دانمارک	۶۵/۲	۸۵/۹	۱۲۰/۱
فرانسه	۳۵۱/۲	۴۲۱/۴	۴۵۸/۲
آلمان غربی	۶۳۱/۳	۸۱۴/۷	۷۷۵/۱
هنگ کنگ	۱۸۰/۱	۲۲۳/۹	۱۶۷/۹
ایتالیا	۳۶۴/۵	۳۸۷/۹	۳۸۱/۷
ژاپن	۹۵۶/۷	۱۲۱۶/۱	۱۴۰۹/۷
هلند	۲۲۰/۱	۲۴۷/۶	۲۳۵/-
اسپانیا	۱۱۲/۲	۹۶/۱	۹۲/۲
سوئیس	۹۷۷/۷	۱۲۴۲/۲	۱۱۵۵/۳
بریتانیا	۹۷۹/۹	۱۳۷۱/۲	۱۱۹۳/-
ایالات متحده	۹۷۶/۷	۱۶۵۲/۹	۱۵۱۹/-
کل صادرات به کشورهای آفریقای جنوبی	۷۳۳/۹	۱۰۹۴/۵	۱۰۳۷/۹

صادرات شامل طلا، سکه و نمش

هر دو جدول صادرات و واردات از کتاب THE UROPA YEAR BOOK 1984 استخراج شده اند .

تایپ و تکثیر :

اتحادیه دانشجویان ایرانی در آلمان غربی  
( هوادار سابق سازمان پیکار ۰۰۰ )